

## معمای حزب در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی: تحلیل بر اساس جریان عادلانه‌ی قدرت در جامعه

محسن ردادی\*  
روح‌الله فرهادی\*\*

### چکیده

شبکه‌های ارتباطی یکی از ارکان مهم سرمایه اجتماعی هستند. در حوزه سیاست، این حزب است که نقش شبکه ارتباطی را ایفا می‌کند و باعث مشارکت سیاسی در جامعه می‌شود. سؤال اصلی مقاله این است که شبکه‌ی ارتباطی مطلوب در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی چیست و حزب چه جایگاهی دارد؟ در این نوشتار بر اساس روش «تحلیل مضمون» اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و شبکه‌ی ارتباطی سیاسی مطلوب آنها «شبکه‌ی مستضعفین انقلابی» معرفی شده است. در کنار این، نگاه دوگانه‌ای به حزب دارند و از حزب در برابر تحدید قدرت دولت حمایت می‌کنند و در عین حال انحصار قدرت در دست احزاب را نامطلوب می‌دانند.

### واژگان کلیدی

سرمایه اجتماعی، توسعه سیاسی، آیت‌الله خامنه‌ای، امام خمینی، حزب، تحلیل مضمون.

\*. استادیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مدرس گروه معارف اسلامی.  
radadi@iiict.ac.ir

\*\* استادیار دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی و مدرس گروه معارف اسلامی  
farhadirouhollah@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱

### طرح مسئله

رجوع به اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که موضع امام خمینی علیه السلام و آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در رابطه با حزب مشابهت زیادی دارد. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی یک وضعیت دوگانه نسبت به حزب وجود دارد. برخی از جملات رهبران انقلاب اسلامی حاکی از حمایت و تأیید نظام حزبی است «دو جناح، یعنی دو بال یک پرنده. اگر هر دو بال یک پرنده خوب حرکت کند، پرنده بالا و پیش خواهد رفت. جامعه از هر دو سود خواهد برد و هر دو جناح به نفع جامعه عمل خواهند کرد و در واقع انقلاب را تکمیل می‌کنند و پیشرفت را در سایه ارزش‌ها تحقق می‌بخشند و می‌توانند خوب باشند». (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳) و برخی دیگر به صورت صریح و آشکار مخالف حزب است. «اصل - به نظر من که در صدر مشروطیت حزب را در ایران درست کردند - حزب بازی را برای همین درست کردند که نگذارند این ملت با هم آشتی کنند». (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۵) وقتی این تعارض در مورد حزب وجود دارد، چنین می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً «حزب» یک متغیر وابسته است و برای رهبران انقلاب اسلامی موضوعیت و اصالت ندارد. احتمالاً کارکرد حزب در جامعه از طریق دیگری قابل تأمین است که قرار است در این مقاله به آن پرداخته شود.

دموکراسی به معنای «حق همگان برای شرکت در تصمیم‌گیری در امور همگانی» تعریف شده است. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۲) بنابراین لازم است که همه مردم در قدرت سیاسی به شکل عادلانه‌ای شریک باشند. انباشت قدرت در دست عده‌ای و محروم ماندن سایرین از قدرت و اعمال قدرت سیاسی، باعث از بین رفتن مردم‌سالاری می‌شود. «حزب» مهم‌ترین ابزاری است که دموکراسی‌ها برای مشارکت سیاسی قدرت مورد استفاده قرار می‌دهند. احزاب سیاسی از طریق اجرای کارکردهایی مانند انتقال خواسته‌های مردم به حاکمیت، تربیت نیروهای سیاسی برای اداره کشور و نهادمند کردن رقابت سیاسی قانونی در راستای تحقق توسعه سیاسی نقش ایفا می‌کنند. (اشرفی، ۱۳۹۵: ۶۲) البته حزب تنها ابزار مشارکت سیاسی نیست.

گاه احزاب باعث می‌شوند که در توزیع عادلانه قدرت اختلال به وجود آید و از طریق منحصر کردن و دست‌به‌دست کردن قدرت سیاسی بین خود، مانع از بهره‌مندی عموم مردم از قدرت شوند. حتی احزاب می‌توانند به مثابه ابزارهایی برای بقای نظام‌های دیکتاتوری به کار گرفته شوند. (جمیری و قرشی، ۱۳۹۷: ۱۸۲)

## روش‌شناسی

در این نوشتار برای تحلیل سخنان رهبران انقلاب اسلامی از روش «تحلیل مضمون»<sup>۱</sup> استفاده می‌شود. این روش کیفی، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. (Boyatzis, 1998: 18) به‌طور کلی تحلیل مضمون روشی است برای دیدن متن، برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط، تحلیل اطلاعات کیفی، مشاهده نظام‌مند شخص، تعامل، گروه، موقعیت، سازمان و یا فرهنگ، تبدیل داده‌های کیفی به داده‌های کمی. (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۳)

مضمون یا تم مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی، معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد. مضمون را می‌توان الگویی دانست که در داده‌ها یافت می‌شود و حداقل به توصیف و سازماندهی مشاهدات و حداقل به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده می‌پردازد. به‌طور کلی مضمون ویژگی تکراری و متمایزی در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با سؤالات تحقیق است. (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۹)

برای انجام تحلیل مضمونی لازم است این مراحل طی شود: کدگذاری، شناخت مضامین، ساختن شبکه‌های مضمونی، توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی، خلاصه‌کردن شبکه‌های مضمونی، توصیف الگوها. (Clarke & Braun, 2006 p: 78) در این مقاله نیز براساس همین الگو تحلیل مضمونی صورت گرفته و پس از کدگذاری سخنان رهبران انقلاب اسلامی، مضامین موجود در آن استخراج شدند. سپس مضامین شبیه به هم کنار هم قرار داده شدند تا شبکه‌های مضمونی شکل بگیرد. این کار تکرار شد تا به سه مضمون مشخص رسیدیم و در نهایت الگوهایی که از کنار هم قرار دادن این مضامین به دست آمد توصیف و تحلیل شدند.

## پیشینه تحقیق

در مورد حزب تحقیقات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. عمده این تحقیقات براساس نظریات لوسین پای، الموند، پاول و هانتینگتون است. این صاحب‌نظران غربی، احزاب را برای توسعه سیاسی ضروری می‌دانند. از نظر لیپست و رکان، ساخت‌پذیری نظام حزبی آخرین مرحله از توسعه سیاسی جوامع اروپایی و نقطه نهایی فردیت به‌شمار می‌رود. (کولایی و مزارعی، ۱۳۹۵: ۴۰۴) احزاب سیاسی با سازمان‌دهی قدرت سیاسی، بسیج نیروهای مردمی و تنظیم روابط قوای حاکم نقش مهمی

---

1. Thematic Analysis.

در نظام‌های مردم‌سالار دارند. (چلبی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۶) برخی از تحقیقات لازمه تبدیل مشارکت توده‌ای به مشارکت فعال و سازمان یافته در تأسیس احزاب به معنای واقعی می‌دانند، (زیباکلام و مقتدایی، ۱۳۹۳: ۸) درحالی‌که برخی دیگر حزب را جزو عناصر غیرقابل جایگزین در دموکراسی نمی‌دانند. (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۴۰)

در مورد احزاب در ایران نیز تحقیقات مفصلی صورت گرفته است. حزب از زمان مشروطیت به صورت تقلیدی وارد ایران شد، اما به دلایل مختلف نتوانست موفق باشد و فعالیت‌های حزبی و تشکیل نظام حزبی در ایران نهادینه نشد. (ثابتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۸) بخشی از این دلایل عدم موفقیت ساختاری است. اما علاوه بر عوامل ساختاری، کنش فعالان حزبی هم مانع از نهادینه شدن حزب در ایران شد. الگوی کنش فعالان حزبی بیش از آنکه عقلانی (به‌عنوان لازمه فعالیت و تحکیم احزاب)، باشد احساسی و سنتی بوده و همین پدیده حزب را دچار چالش اساسی نموده است. (حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹) رویکردی دیگری وجود دارد که اتفاقاً تلاش می‌کند حزب مدرن را با سنت اسلامی ایرانی آشتی دهند. در این رویکرد، زمینه سنتی حزب نقطه منفی در نظر گرفته نمی‌شود و سعی می‌شود با پیوندهای سنتی، شکل گرفتن حزب توضیح داده شود. در این زمینه می‌توان به پژوهشی اشاره کرد که مبانی نظری حزب را براساس اندیشه علامه نایینی توضیح می‌دهد. (غفاری و آل غفور، ۱۳۹۸: ۱۸۹) اما به نظر می‌رسد این دسته از تحقیقات نمی‌توانند توضیح دهند که اگر حزب با اندیشه سیاسی بومی اسلامی ایرانی سازگاری دارد، پس چرا حزب در این چهار سال نهادینه نشده است؟ چرا حزب نتوانست در ایران کارویژه‌های خود را به شکل مناسب انجام دهد؟

اما نزدیک‌ترین تحقیق از نظر حوزه موضوعی مقاله‌ای است که تلاش می‌کند مبانی نظری حزب را در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای کشف کند. ایده اصلی مقاله بیان شده این است که براساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تشکیلات و سازماندهی سیاسی ضروری است و به اعتقاد ایشان نقیصه بزرگ مبارزات تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نبود حزب و تحزب بوده است. (جمال‌زاده و خزاعی، ۱۳۹۵) بخشی از مقاله که به موضوع لزوم تشکیلات مربوط می‌شود در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای آشکار و مشخص است. اما نمی‌توان نام این تشکیلات منظم را لزوماً حزب گذاشت. به‌خصوص که جملات صریحی از رهبران انقلاب اسلامی می‌توان یافت که نشان می‌دهد حزب را ستایش نمی‌کردند.

منظور آیت‌الله خامنه‌ای از تشکیلات منظم، حزب نیست: «منظور از تشکیلات چیست؟ بدیهی است که منظور یک حزب منظم و مرتب با مفهوم امروزی آن یعنی مجموعه‌ای از کادرهای منظم و فرماندهی‌های منطقه‌ای و شهری و غیره، نبوده و نمی‌تواند باشد. تشکیلات به معنای جمعیتی از

مردم بوده که با هدفی مشترک کارها و وظایف گوناگونی را در رابطه با یک مرکز و یک قلب تپنده و مغز فرمان‌دهنده انجام می‌داده و میان خود نوعی روابط و نیز احساس نزدیک و خویشاوندانه می‌داشته‌اند.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۸۳)

در مقاله‌ای پیش‌گفته سیره عملی آیت‌الله خامنه‌ای در مشارکت در تأسیس حزب جمهوری اسلامی به‌عنوان نشانه‌ای از جایگاه والای حزب در اندیشه ایشان معرفی شده است. درحالی‌که این مقاله اشاره نمی‌کند اگر حزب از نظر ایشان مطلوب و کارآمد بود، چرا نقش مؤثر و اساسی‌ای در انحلال حزب جمهوری اسلامی داشتند؟ پس به نظر می‌رسد آن چیزی که در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای قابل اثبات است، کار تشیکلاتی و سازمانی است که لزوماً حزب نیست.

بخشی دیگر از تحقیقات با مفروض قرار دادن ناکامی احزاب در ایران به علل ناکامی حزب می‌پردازند. برخی وجود ساختار بسته قدرت پیش از انقلاب را عامل عدم توفیق حزب می‌دانند. (توفیق، ۱۳۸۵: ۹۴) در این صورت طبیعی است که پس از انقلاب اسلامی باید شاهد رشد و شکوفایی احزاب باشیم. با این تصور است که شهید بهشتی رحمته‌الله با استفاده از نظریه «امت و امامت» تلاش کرد که حزب را در جمهوری اسلامی نهادینه کند. (فیرحی، ۱۳۹۱: ۲۸۸) حزب «جمهوری اسلامی» براساس سنت‌های فکری نظیر مشروطه شیعی، اتحاد اسلام و اسلام‌گرایی چپ تشکیل شد. (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۸۰) اما این حزب موفق نبود. احزابی که در سال‌های بعد تشکیل شدند میزان توفیقشان از این حزب هم کمتر بود.

در رابطه با عدم توفیق حزب جمهوری اسلامی تحقیقاتی انجام شده است. حزب جمهوری اسلامی برای بقای خود لازم بود تغییراتی در مواضع و عملکرد خود به وجود آورند. اما این تغییرات با ارزش‌های اسلامی و انقلاب کاملاً سازگار نبود و و نخبگان حزب جمهوری اسلامی به جایی رسیدند که باید بین حفظ حزب و حفظ ارزش‌های اسلام و انقلاب یکی را برمی‌گزیدند و آنها دومی را انتخاب کردند. (جاسبی و پریراد، ۱۳۹۴: ۳۰) این تحقیقات به صورت تلویحی نشان می‌دهند که حزب، نه با زمینه اسلامی ایرانی سازگار است و نه اینکه با ماهیت جمهوری اسلامی تطابق کاملی دارد.

بخشی دیگر از تحقیقات به بررسی و مقایسه احزاب ایران و سایر کشورها پرداخته‌اند. در این تحقیقات هم تأکید بر این است که حزب در ایران نسبت به سایر کشورها عملکرد خوبی نداشته است. درحالی‌که فعالیت احزاب در فرانسه هم با برخی محدودیت‌ها در قانون اساسی مواجه است، (مظهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۸) اما توفیق احزاب در فرانسه قابل مقایسه با ایران نیست. همان‌طور که اشاره شد حزب «جمهوری اسلامی» نتوانست ادامه حیات بدهد و منحل شد، اما در کشور هند

«حزب کنگره هند» توانست با نهادمندی تا سال‌ها به فعالیت خود ادامه دهد. (مرتضویان و پریزاد، ۱۳۹۵: ۱۴۰) در کشور همسایه‌مان ترکیه، احزاب سیاسی نهادمند باعث تسهیل در انتقال به مرحله تثبیت دموکراتیک شده است. درحالی‌که ضعف نهادمندی احزاب سیاسی در ایران باعث شده که دموکراتیزاسیون در مرحله گذار توقف کند. (ساعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۰)

همه این تحقیقات به‌نوعی نشان می‌دهند که تجربه حزب در ایران موفق نبوده است و علی‌رغم تلاش‌هایی که برای سازگار کردن نظری حزب با زمینه اسلامی ایرانی شده است، همچنان در عمل احزاب نتوانسته‌اند نهادینه شوند.

### فرضیه و نوآوری

فرضیه مقاله این است که در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی نسبت به حزب وضعیت دوگانه‌ای حاکم است که باعث می‌شود وقتی حزب برای پایش و کسب قدرت در برابر دولت قرار می‌گیرد، مورد تأیید و مطلوب تلقی شود و زمانی که حزب به‌عنوان کانون کسب قدرت به دنبال انحصار قدرت و تنگ کردن عرصه برای مشارکت عمومی و مستقل مردم باشد نامطلوب و مضر تلقی می‌شود. نوآوری این مقاله این است که براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی شبکه ارتباطی‌ای به نام «حلقه مستضعفین انقلابی» استخراج می‌شود که جایگزین حزب (بدون اینکه حزب کنار گذاشته شود) شده و به توزیع عادلانه قدرت در جامعه کمک می‌کند. شایان ذکر است که در این نوشتار، مستضعفین در قلمروی ایران مورد نظر است.

### ضرورت وجود شبکه‌های ارتباطی برای توزیع قدرت سیاسی

منظور از شبکه ارتباطی، گروهی از افراد است که رابطه نسبتاً پایدار و مؤثری میان آنها برقرار است و اعتماد و سرمایه اجتماعی میان اعضای آن جریان دارد. این شبکه ارتباطی، ساختاری متشکل از افراد یا نهادهاست که با یک یا چند نوع ویژه از وابستگی مانند دوستی، خویشاوندی، مبادله مالی، روابط عاطفی یا ارتباطهای اعتقادی به یکدیگر متصل می‌شوند. (رمضانی و میرزاحمدی، ۱۳۹۲: ۱۸)

شبکه‌های ارتباطی براساس تعریف «چارلز تیلی»<sup>۱</sup> عبارتند از «مجموعه روابط مستحکم فردی که در آن مردم منابع و سرمایه بلندمدت، ارزشمند و دارای نتیجه خود را در معرض خطر خیانت، اشتباه یا ناکامی دیگران قرار می‌دهند». (تیلی، ۱۳۹۰: ۳۸)

1 Charles Tilly.

### شبکه‌های ارتباطی در اسلام

در اسلام شبکه‌های ارتباطی سیاسی‌ای را می‌توان تشخیص داد که در خدمت توزیع قدرت و ارتباط سیاسی قرار دارد. «امت اسلامی» و «اخوت» ساختار مناسبی برای تولید سرمایه اجتماعی و توزیع قدرت سیاسی فراهم می‌آورد. مسلمانان در هر کجای جهان که باشند نسبت به یکدیگر مسئول به حساب می‌آیند و موظفند که با یکدیگر رابطه داشته باشند. در قرآن از مسلمانان با واژه امت یاد شده است. (انبیاء / ۹۲ و مومنون / ۵۲)

«رابطه برادری میان مؤمنین» در جامعه اسلامی یک شبکه ارتباطی دیگر در اختیار می‌گذارد که قادر به تولید و انباشت سرمایه اجتماعی و توزیع قدرت است. این نهاد توسط پیامبر اکرم ﷺ تعریف شد و از اختصاصات اسلام است. یکی از اصول سیاسی مهم و جاری در میان اعضای این شبکه ارتباطی عبارت است از: «آنها در برابر کفار شدید هستند و میان خود مهربانند». (فتح / ۳۹) سرمایه اجتماعی و رابطه میان آنها موجب می‌شود که دشمنان را از میان خود طرد کنند، اما با یکدیگر رابطه قوی داشته باشند. نسبت برادری که میان مسلمانان برقرار است آثاری شرعی و حقوقی دارد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸ / ۴۷۱)

در فضای انقلاب اسلامی، انقلابیون یکدیگر را با لفظ «خواهر» یا «برادر» مورد خطاب قرار می‌دهند. مکان‌هایی که اختصاص به جنسیت خاصی دارد نیز از تابلوی «خواهران» و یا «برادران» استفاده می‌کنند. اینکه انقلابیون یکدیگر را «خانم و آقا»، «همشهری» (به تعبیر لیبرال‌ها که خود را شهروند<sup>۱</sup> می‌نامند)، «رفیق»<sup>۲</sup> (به تعبیر کمونیست‌ها)، «هموطن» (کلمه رایج میان ناسیونالیست‌ها) مورد خطاب قرار نمی‌دهند و به سادگی خواهر یا برادر می‌نامند، نشان می‌دهد که رابطه‌ای بسیار اعتمادآمیزتر - در حد رابطه اعضای خانواده - در این شبکه ارتباطی برقرار است. مسلم است که برادران یا خواهران (اعضای شبکه ارتباطی اخوت) اولاً نیت سوءاستفاده و یا آسیب رساندن به یکدیگر را ندارند و دوم اینکه با یکدیگر برابرند و تفاوت در ثروت و مقام و سایر امتیازهای ظاهری تأثیری بر رابطه برابر میان آنها ندارد.

در شبکه ارتباطی اخوت برخلاف حزب، رابطه سلسله‌مراتبی برقرار نیست. روایت مشهور صفوان شتردار و علی بن یقطین وزیر هارون الرشید (مجلسی، ۱۳۸۶: ۴۸ / ۸۵) به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد توزیع عادلانه قدرت در شبکه ارتباطی برادران مؤمن وجود دارد. آیا چنین عدالتی در توزیع قدرت در «حزب» به‌عنوان یک شبکه ارتباط سیاسی مدرن برقرار است؟

1 Citizen.

2 Comrade.



### نقد حزب به عنوان شبکه ارتباطی سیاسی مرسوم

در ابتدا باید تعریفی از حزب ارائه شود. حزب یک سازمان برای کسب و هدایت قدرت سیاسی است (غفاری و آل غفور، ۱۳۹۸: ۱۸۹) که دارای چهار ویژگی است: پایدار است و عمر آن از عمر رهبران طولانی تر است؛ دارای دفترهای محلی باشد که با سازمان مرکزی در ارتباط هستند؛ مصمم به کسب قدرت است؛ از پشتیبانی توده مردم برخوردار است. (ابوالحمد، ۱۳۵۸: ۷ - ۴)

اگر بخواهیم حزب (و نظام حزبی) را از منظر عدالت مورد آسیب شناسی قرار دهیم، به صورت مشخص و خلاصه می توان دو نقد اصلی به حزب وارد دانست: یکی «تبعیض» و دیگری شکل گرفتن «حلقه های بسته قدرت و ثروت».

یک. **ایجاد حلقه بسته:** احزاب با تمرکز قدرت در دست خود، برابری فرصت ها و تساوی امکانات و مجال قدرت یابی را از سایر جریانات و گروه های سیاسی سلب کرده و مانع از گردش پیوسته و واقعی قدرت می شوند. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۴) در این وضعیت عده ای از منتفذین دارای نفوذ سیاسی گرد هم آمده و تلاش می کنند از منافع خود محافظت نمایند.

دو. **تبعیض و تعصب:** اعضای حزب اغلب خارج از انصاف از یکدیگر حمایت می کنند و در مقابل، نسبت به افراد خارج از حلقه بی اعتمادند. گاهی اوقات این تبعیض، منجر به ستیزه جویی با اعضای خارج از حلقه می شود و افراد خارج از حلقه را به عنوان دشمنانی در نظر می گیرند که باید با پیکارهای بی امان از پای درآورد! این رقابت های حزبی باعث برانگیختن واکنش افکار عمومی شده است. بیش از نیمی از مردم معتقدند که احزاب تنها در پی منافع گروهی و جناحی هستند. (فاضلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۶) به همین دلیل بی اعتمادی به احزاب تبدیل به یک مسئله شده است. (ساعی و خضری، ۱۳۹۴: ۱۰۹) حتی بخشی از نمایندگان مجلس به نقش مثبت تحزب بر توسعه سیاسی باور ندارند و در عمل نیز این افراد گرایش کمتری به فعالیت حزبی نشان می دهند. (صالحی امیری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۶)

در مورد ضرورت حزب و شاخص های ضروری آن، لازم است این نکته مورد تأکید قرار گیرد که حزب به عنوان ابزار و نهادی مهم برای توزیع قدرت در نظر گرفته می شود. اگر حزب با شاخص های ضروری آن در جامعه حضور داشته باشد، فرض بر این است که می تواند به توزیع بیشتر قدرت و مشارکت بهتر مردم کمک نماید.

### توصیف مضمون های شبکه های ارتباطی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

برای پاسخ به این پرسش که «حزب» در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی چه جایگاهی دارد و اینکه



چه نوع شبکه ارتباطی سیاسی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی مطلوب است، با روش تحلیل مضمون به بررسی بیانات رهبران انقلاب اسلامی پرداخته‌ایم. تحلیل این مضمون‌ها (نمودار ۲) نشان می‌دهد که با سه مضمون اصلی و فراگیر مواجه هستیم. این سه مضمون به این شرح هستند:

### مضمون فراگیر اول: مخالفت با حزب‌سالاری و دولت‌سالاری

می‌دانیم که احزاب می‌توانند نظام حزب‌سالاری به وجود آورند که مانعی در برابر پلورالیسم سیاسی به حساب می‌آید. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۴) در حال حاضر در غرب رقابت سیاسی به چند حزب محدود شده است و این احزاب با تحمیل اراده سیاسی خود باعث شده‌اند که مردم‌سالاری واقعی در عمل اجرا نشود. این یک آفت است که باید برای رفع آن تلاش کرد.

در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی برای جلوگیری از شکل‌گیری حلقه‌های بسته قدرت و ثروت، «حزب‌سالاری» و «دولت‌سالاری» مردود شمرده شده‌اند. دولت به‌عنوان درازدست‌ترین بازیگر که امکانات فراوان (قدرت، ثروت و اطلاعات) دارد این استعداد را دارد که به سرعت پر شود از حلقه‌های بسته و گاه فاسد که جریان عادلانه قدرت و ثروت را مسدود کنند.

با تحلیل مضمونی سخنان مربوط به شبکه ارتباطی در گفتار رهبران انقلاب اسلامی به چهار مضمون فرعی می‌رسیم که مضمون اصلی و فراگیر «مخالفت با حزب‌سالاری و دولت‌سالاری» را می‌رساند. این چهار مضمون فرعی عبارتند از:

#### مضمون فرعی یک. شکستن حلقه دولتی

براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی اقتصاد دولتی قابل قبول نیست،<sup>۱</sup> از این رو نباید با کاهش مشارکت مردمی، امور کشور را دولتی کند. دولت صرفاً در حوزه‌هایی که مردم نمی‌توانند فعالیت نمایند، ورود کند اصولاً اقتصاد کشور باید به سرمایه‌های انسانی، مالی و فیزیکی مردم تکیه کند و تجارت و صنعت باید مشارکت مردمی باشد. حداکثر وظیفه دولت نظارت است و باید کار را به مردم بسپارد. (بیانات رهبری، ۱۴۰۰/۶/۶)

از نظر رهبری انقلاب اسلامی، دولت موظف به تبعیت از نظر مردم است. این یک شعار سیاسی نیست و براساس اسلام نباید حکومت خواسته خود را به مردم تحمیل کند (بیانات رهبری، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹) حتی در نصب مدیران «مسئولین باید مأموران همفکر مردم را منصوب کنند».

---

۱ بخش‌هایی که داخل گیومه آمده سخنان رهبران انقلاب اسلامی و یا مضمون پایه‌ای استخراج شده از آن است که برای جلوگیری از طولانی شدن مقاله، ارجاعات آنها در متن نیامده است.

### مضمون فرعی دو. بسترسازی فعالیت احزاب

براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی حکومت جمهوری اسلامی موظف است که عرصه سیاسی را برای فعالیت احزاب سیاسی مهیا کند. اداره تک‌جناحی کشور مطلوب نیست. هیچ جناح و گروهی نباید خود را صاحب حکومت بداند و گروه‌های دیگر را از حضور و مشارکت باز دارد. رهبر انقلاب اسلامی دو جناح موجود در کشور را به رسمت شناخته و فرمان می‌دهد که دو جناح تحول‌گرایان و ارزش‌گرایان باید یکدیگر را تحمل و قبول کنند. (بیانات رهبری، ۲۳ / ۲ / ۱۳۷۹)

هرچند مردم‌سالاری در نگاه رهبران انقلاب اسلامی یک اصل به‌شمار می‌رود، اما این‌گونه نیست که در مواقع خاص و بحرانی بتوان با تحریک احساسات مردم مصلحت کشور و اسلام را زیر سؤال برد. «اگر اسلام و حیثیت نظام در خطر باشد کارشناسان دانا باید رأی خود را تحمیل کنند» و نباید اجازه داد که مردم‌سالاری مانع از تصمیم‌گیری درست شود. این کارشناسان دانا شامل سیاست‌مداران باتجربه و نخبگان خبره می‌شود که فضای تصمیم‌گیری گسترده‌ای را با این فرمان دریافت می‌کنند. (بیانات رهبری، ۲۲ / ۵ / ۱۳۷۹)

وحدت، راهبرد اصلی رهبران انقلاب اسلامی است. اما دسته دسته شدن و ایجاد حزب لزوماً به‌معنای تفرق و شکستن وحدت نیست؛ حلقه جدید سیاسی به مفهوم اختلاف نیست البته به شرط اینکه در اعتقاد به اسلام و جمهوری اسلامی اشتراک‌نظر باشد، اشکال ندارد که گروه‌های متعدد تشکیل شود.

در جهان‌بینی رهبران انقلاب اسلامی، هیچ اشکالی ندارد که گروه‌های کوچک و بزرگ در کشور تشکیل شود. فرض بر این است که اگر حلقه‌ها و شبکه‌های ارتباطی کوچک با هم تضاد نداشته باشند و با یکدیگر ابراز دشمنی نکنند و صرفاً اختلاف سلیقه سیاسی باشد، در این صورت این گروه‌های کوچک سیاسی یک شبکه وسیع ارتباطی تشکیل می‌دهند که با همکاری هم کشور را اداره می‌کنند. (بیانات رهبری، ۲۴ / ۷ / ۱۳۹۰)

### مضمون فرعی سه. شکستن حلقه حزبی

این مضمون سازمان‌دهنده، روی دیگر سکه تعامل رهبران انقلاب اسلامی با احزاب را نمایان می‌کند. همان‌طور که گفته شد حکومت باید بستر فعالیت احزاب را مهیا نماید، اما از طرف دیگر نباید خود این احزاب مانعی بر سر راه عدالت و مردم‌سالاری شود. چون در اندیشه رهبری انقلاب محوریت یافتن احزاب و خواص، باعث شکل‌گیری حلقه بسته می‌شود. مسئولین از هر حزب و جناحی که هستند نباید فعالیت‌های حزبی و گرایش‌های سیاسی خود را چنان جدی بگیرند که به‌صورت کلی از مردم جدا شوند. زیرا «وقتی که ملت جدا باشد از دولت و دولت هم بخواهد از ملت استفاده کند و

بدوشد ملت را، دیکتاتوری پیش می‌آید». (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۸ / ۷۹) دولت باید صرفاً مردم را در نظر داشته باشد و نباید به بازی‌های حزبی توجه کند.

#### مضمون فرعی چهارم: بازکردن حلقه به نفع مردم

مضمون‌های فراوانی در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی وجود دارد که نشان می‌دهد حکومت نه متعلق به دولت، نه متعلق به احزاب و گروه‌ها که فقط متعلق به مردم است. اعتقاد به مردم در اسلام ریشه دارد و صاحب کشور، مردم هستند. (بیانات رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱) بنابراین فعالیت‌های سیاسی حزبی و گروهی نباید اخلاقی در فعالیت سیاسی مردم ایجاد کند. به عبارت دیگر هر جا حزب و دسته سیاسی مانع از جریان سالم قدرت در جامعه شد و قدرت را در انحصار خود درآورد و مشارکت مردم را کم‌اثر کرد، براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی باید این مانع کنار زده شود و مانع گشوده شود و به نفع مردم منحل گردد.

مشارکت مردم در اداره کشور یک اصل مهم است. این مشارکت مردمی تبلیغاتی نیست و اعتقاد به این است که مشارکت ملت عامل اصلی ساختن کشور است. آیت‌الله خامنه‌ای در جایی مشارکت مردم را به سرمایه‌گذاری جمعی تشبیه می‌کنند که در بانک انجام می‌شود. موجودیت و سرمایه این بانک متعلق به تک‌تک افرادی است که در آن سرمایه‌گذاری (مشارکت) داشته‌اند نه فقط مدیران و کارمندان. مشارکت و تعیین سرنوشت کشور که در انتخابات رقم می‌خورد حتی منحصر به خودی‌ها نیست و حتی افراد غیرخودی هم می‌توانند مشارکت و اعلام رأی داشته باشند. البته این منافاتی با این مطلب ندارد که نامزدان انتخابات لزوماً باید از میان خودی‌ها و باورمندان به انقلاب اسلامی تعیین شود. از نظر کارکردی هم سپردن کارها به مسئولین مفید و کارآمد است. «انحصار کارها در اختیار مسئولین باعث متوقف شدن است». رهبری انقلاب اسلامی معتقد است که «کارها را باید از انحصار دولت خارج کرد و به مردم سپرد. حتی کارهای امنیتی و نظامی!»

#### مضمون فراگیر دوم: تشکیل حلقه «مستضعفین انقلابی»

براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی مردم حاکم و صاحب کشور هستند. دولت باید در اختیار این مردم قرار بگیرد. اما آیا مردم به‌عنوان توده بی‌شکل می‌توانند و اصلاً امکان‌پذیر است که قدرت را در دست بگیرند؟ این توده توان تولید سرمایه اجتماعی و فعالیت سیاسی مؤثر دارد؟ پاسخ منفی است. به باور آیت‌الله خامنه‌ای «اساس کار تشکیلات است. شکی نیست که تا تشکیلاتی نباشد، هیچ‌چیزی براساس آن نمی‌شود، بنا کرد». (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۱۱/۴) اگر یک گروه منسجم و مشخص

شکل نگیرد امکان هماهنگی و در خدمت گرفتن ماشین دولت را نخواهند داشت. اگر سپردن دولت به توده بی‌شکل ممکن و امکان‌پذیر باشد، حتماً منجر به تولد «فاشیسم» یا «انارشیسم» می‌گردد. براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی لازم است که «حلقه مستضعفان انقلابی» شکل بگیرد که بتوانند فعالیت سیاسی (و اقتصادی) مؤثر داشته باشند. مستضعف در ادبیات قرآنی (نساء / ۶۷) یعنی کسی که به استضعاف کشیده شده و خودش و دیگران او را ضعیف و ناتوان می‌شمارند. (امینی، ۱۳۷۸) در اندیشه امام خمینی علیه السلام، مستضعفین، افرادی هستند که توسط ابرقدرت‌ها و افراد ظالم داخلی (ارباب‌ها، سرمایه‌دارها، شاه) «ضعیف و حقیر» شمرده می‌شوند. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵ / ۷۵) «مبارزه، مقاومت و دشمنی با مستکبران» ویژگی متمایز مستضعفین انقلابی از مستمندان، محرومان و قشر آسیب‌پذیر است. این افراد ظلم را نمی‌پذیرند و قیام می‌کنند. سلام مستضعفین «ایمان» است. افراد «غیرمسلمان» نیز به شرط «ظلم‌ستیزی» عضو حلقه مستضعفین قرار می‌گیرند. به صورت مختصر مستضعفین عبارتند از علمای حقیقی، کسبه، مؤمنین، زاغه‌نشینان، پابره‌نه‌ها، جوانان دانشگاهی، کارگران، دهقانان، قشر جوان، طبقه پایین و دیگر گروه‌های طبقه سوم که اراده کرده‌اند در برابر ظلم بایستند.

حلقه مستضعفین انقلابی براساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی دارای ویژگی‌های مشخصی است:

#### ۱. از نظر ساختاری

یک. **مردمی بودن.** ملت «بخش‌های خصوصی جوشیده از طبقات محروم مردم، ... بازاریان محرومیت کشیده و درد اسلام و انقلاب چشیده، متخصصان وارد و مسلمان و متعهد، مردم محروم و مستضعف» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۹ / ۳۳) و «مردم پابره‌نه، این بازاری و این متوسطین و این محرومین» و «زاغه‌نشینان، بازاری، کشاورز، کارگر، همه اینها» است. این حلقه «ارتباط‌ها میان مؤمنین را براساس پابندی به اصول» برقرار می‌سازد و «دشمنی با نظام ملاک غیرخودی بودن» و اخراج از حلقه است و همه انقلابیون با هر گرایش عضو این حلقه به‌شمار می‌روند.

دو. **غیررسمی بودن.** منظور این است که مانند حزب رسمی نیست و روابط براساس یک سلسله‌مراتب رسمی سازماندهی نشده است. البته شبکه مستضعفین انقلابی می‌تواند با سازمان‌های رسمی تعامل داشته باشد. مثلاً این شبکه ارتباطی در روزهای دفاع مقدس بسیج شد و در جبهه‌ها بر علیه متجاوزان جنگید. درعین حال با ارتش به‌عنوان یک سازمان نظامی رسمی ارتباط و همکاری داشت. شبکه‌های غیررسمی بر شبکه‌های رسمی اولویت دارد مثلاً اعضای حلقه مستضعفین باید بر مجلس نظارت کنند و بنابراین بالاتر از مجلس به‌شمار می‌روند. اعضای این حلقه همه مردم از زن و مرد باید بر کار دولت نظارت کنند و از دولت هم بالاتر هستند.

## ۲. از نظر شناختی

یک. مبتنی بر اعتماد رهبری انقلاب به مردم است. شبکه مستضعفین انقلابی براساس اعتمادی که رهبری انقلاب به مردم داشت شکل گرفت و موفق شد یک انقلاب و یک دفاع جنگی موفق داشته باشد. حکومت جمهوری اسلامی باید به مردم اعتماد کند. این دستور خداست که باید به مردم اعتماد کرد. اگر خواهان جلب اعتماد مردم هستیم، حکومت باید به مردم اعتماد کند تا مردم اعتماد متقابل پیدا کنند. این شبکه از زمانی شروع به نضج کرد که امام خمینی ره به مردم (اعضای شبکه مستضعفین انقلابی) اعتماد کرد و به پشتوانه اعتماد آنها قیام را آغاز کرد. هنوز هم اعتقاد بر این است که حکومتی که به مردم محبت و اعتنا کند مورد اعتماد مردم قرار می‌گیرد.

دو. مبتنی بر تکریم مردم است. مستضعفین، براساس تعریف، کسانی هستند که ضعیف و حقیر نگه داشته شده‌اند و از این راه مانع از فعالیت و اظهار وجود آنها شده‌اند. اگر این افراد احساس کرامت، احترام و بزرگی کنند، دیگر قابل بهره‌کشی نیستند. به همین دلیل رهبران انقلاب اسلامی به طرز بی‌سابقه‌ای به مستضعفین احترام می‌گذارند و همدلانه نسبت به آنها کرنش و تواضع می‌کنند. شناختی که باعث شکل گرفتن این شبکه و پیوند افراد آن به یکدیگر شد، احساس کرامت و ارزشمندی‌ای بود که در طول تاریخ از آنها دریغ شده بود. دو راهبرد اساسی رهبران انقلاب اسلامی در دهه‌های گذشته برای تکریم مردم عبارت است از سپردن نقش سیاسی اجتماعی به مردم و توانمندسازی مردم. پس از انقلاب اسلامی، اغلب افرادی که به مقامات بالای سیاسی رسیده‌اند، از جمله مستضعفین بودند. یعنی اداره کشور بر عهده همین اعضای شبکه مستضعفین انقلابی سپرده شده است. از طرف دیگر تلاش شده که با فراهم کردن امکان تحصیل، تقویت بنیه اقتصادی و افزایش آگاهی‌های سیاسی افراد این شبکه توانمند شوند و بتوانند به شکل مؤثرتری اقدام و فعالیت کنند. به همین دلیل «دولت به جای فعالیت اقتصادی باید بخش خصوصی را توانمند کند» و «مردم باید سرمایه‌دار شوند». این وظیفه مسئولین است که «مردم را برای مشارکت مستقیم اقتصادی توانمند کنند». اصولاً «اصل ۴۴ برای ثروتمند شدن افراد است». (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۱۱/۲۰)

سه. مبتنی بر تقویت اعتماد به نفس مستضعفین است. اعضای شبکه مستضعفین انقلابی در طول تاریخ معاصر همواره مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و علی‌رغم نقاط قوت فراوان، قادر به اجرای نقش مؤثر در صحنه سیاست نبودند. اما پس از اینکه مورد اعتماد امام خمینی ره قرار گرفتند و شبکه انسجام پیدا کرد، امید به ایجاد تغییر، احساس توانمندی برای غلبه بر قدرت‌های جهانی و ... باعث افزایش اعتمادبه‌نفس اعضای این شبکه شده است. اعتمادبه‌نفس از مهم‌ترین ویژگی‌هایی شناختی است که

اعضای این گروه از خود دارند. این جملات رهبران انقلاب اسلامی در جهت تقویت اعتمادبه‌نفس مستضعفین است: قدرت اراده جمعی ملت بر همه چیز غلبه می‌کند، حضور مردم در مسائل مختلف باعث معجزه است؛ قدرت یکپارچگی مردم انقلاب را پیروز کرد و امروز باعث شکست دشمن است.

### ۳. از نظر هویتی

یک. انقلابی است. اعضای شبکه مستضعفین لزوماً افرادی هستند که باورهای انقلابی دارند و ظلم را نمی‌پذیرند و با سلطه‌گران می‌جنگند. مستضعفینی که هنوز جایگاه خود را درک نکرده‌اند و انگیزه‌های برای مبارزه ندارند، افرادی قابل احترام و ترحم هستند، اما عضو حلقه مستضعفین انقلابی نیستند. دو. مذهبی است. ایمان مذهبی نقش مؤثری در انگیزه‌بخشی و حفظ پیوندها در حلقه مستضعفین انقلابی دارد. مسجد و اجتماع‌های مذهبی (نماز جمعه، هیئت‌ها) مهم‌ترین مکان حضور فیزیکی اعضای حلقه مستضعفین انقلابی است. از همین‌جا بود که مبارزه علیه رژیم شاه آغاز شد و سپس در دفاع مقدس نیروهای داوطلب از مساجد و نمازهای جمعه به جبهه اعزام می‌شدند. «مسجد محل تشکیل شبکه ارتباطی است» و مناسک دینی باعث همدلی و ارتباط بین اعضای شبکه مستضعفین می‌شود.

### مضمون فراگیر سوم: مرزبندی با دشمنان خارج از شبکه اعتماد

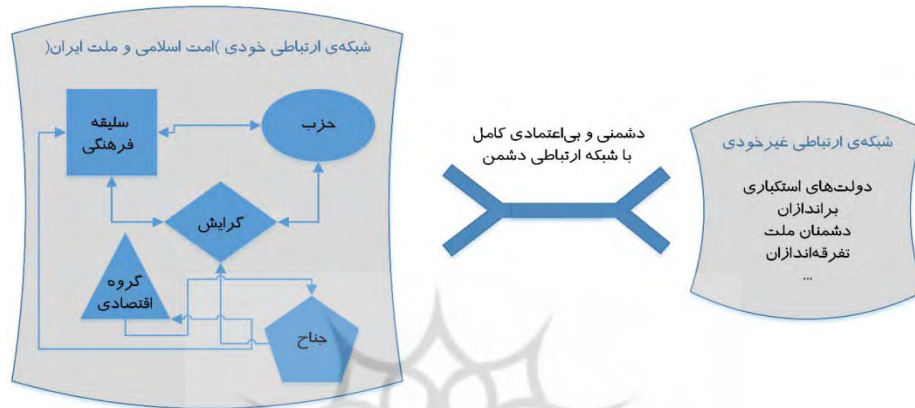
شبکه ارتباطی لازم است مرز مشخص و معینی را میان اعضای عضو و غیرعضو برقرار نماید که باعث تولید سرمایه اجتماعی گردد. در صورتی که مرز میان اعضای عضو و غیرعضو به اندازه کافی پررنگ نباشد، امکان تولید سرمایه اجتماعی وجود نخواهد داشت. در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی برای حفظ مرز میان خودی و غیرخودی (که برای سرمایه اجتماعی ضروری است) و درعین‌حال جلوگیری از گسترش بی‌عدالتی و تبعیض راهبرد چنین است: متوجه کردن خصومت‌ها به دشمنان شبکه ارتباطی. به عبارت دیگر پس از شکل گرفتن شبکه‌های ارتباطی در جمهوری اسلامی (حزب یا حلقه ...) دشمنی‌ها و رقابت‌های شدید به سمت دشمنان مردم متوجه می‌شود، نه اعضای سایر شبکه‌های ارتباطی. در این چارچوب، مرز نفی نمی‌شود و حتی مرز پررنگی هم ترسیم می‌شود، اما میان اعضای شبکه با دشمنان شبکه ارتباطی. به همین دلیل است که در کلام رهبران انقلاب اسلامی، دشمن، توطئه و مبارزه بسامد بالایی دارد، اما مرجع همه این واژگان متوجه خارج از طیف شبکه ارتباطی‌ای است که در چارچوب جمهوری اسلامی تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر، راهبرد هوشمندانه رهبران انقلاب اسلامی، هدایت دشمنی‌ها و ضدیت‌ها



(که برای هویت گروه و تولید سرمایه اجتماعی ضروری است) به دشمنان خارجی و کاهش تنش و رقابت میان شبکه‌های ارتباطی داخلی است.

همزمان با مرکزکشی جدی میان ما و دشمنان، مرز میان گروه‌های داخلی کمرنگ می‌شود. یعنی خصومت‌ها، رقابت‌ها و هویت‌طلبی‌هایی که معمولاً میان گروه‌ها وجود دارد تا حد زیادی تخفیف داده می‌شود. براساس مضمون‌هایی که از اندیشه رهبر انقلاب اسلامی به دست می‌آید، اینکه باید فاصله با دشمن زیاد و فاصله با خودی‌ها کم شود.

این تأکید بر وحدت نافی پذیرش حلقه‌بندی‌های داخلی و ایجاد تشکل و حزب نیست. مهم این است که میان این حلقه‌های درون شبکه ارتباطی نباید نفرت وجود داشته باشد.



نمودار ۱: ستیزه‌جویی با دشمن خارج از شبکه ارتباطی و اعتماد به گرایش‌ها و حلقه‌های موجود در شبکه ارتباطی

### رابطه حزب و حلقه مستضعفین انقلابی

امام خمینی علیه السلام در ۲۶ مرداد ۱۳۵۸ اعلام کردند که پس از انقلاب باید احزاب منحل شود و فقط «حزب مستضعفین» تشکیل می‌گردد: «و اگر ما انقلابی بودیم، اجازه نمی‌دادیم اینها اظهار وجود کنند. تمام احزاب را ممنوع اعلام می‌کردیم. تمام جبهه‌ها را ممنوع اعلام می‌کردیم. یک حزب، و آن «حزب الله»، حزب مستضعفین.. و من توبه می‌کنم از این اشتباهی که کردم» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۲۸۳ / ۹) اما چند روز بعد در دوم شهریور ۱۳۵۸ این فرمایش خود را تعدیل کردند و فرمودند:

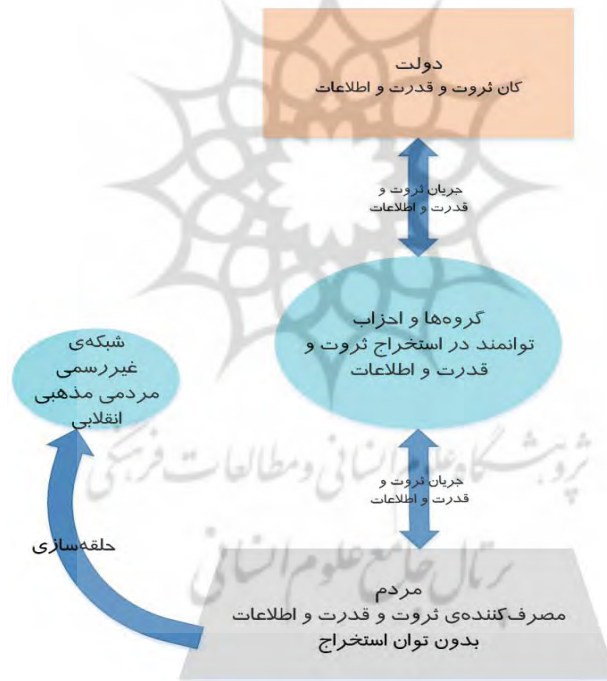
و این نکته را باید تذکر بدهم که ما که گفتیم حزبی به نام «حزب مستضعفین» در همه دنیا، معنایش این نبود که حزب‌های صحیحی که در ایران هست نباشد. حزب‌های منطقه‌ای علی‌حده است و حزب تمام مناطق و تمام جاها یک حزب



دیگر است... لکن [به] معنای این نیست که در محل و در منطقه‌ها حزب نباشد. خیر، در منطقه‌ها احزاب هستند و آزاد هم هستند، مادامی که توطئه معلوم نشده است. (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۹ / ۳۴۰)

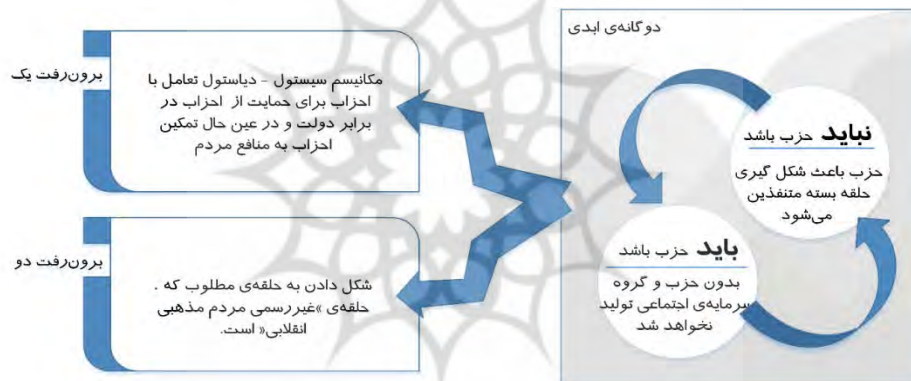
بنابراین در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی، حلقه مستضعفین انقلابی باعث حذف و کنارگذاشتن حزب نمی‌شود. در این الگو همچنان گروه‌ها و احزاب به‌عنوان نهاد اثرگذار بر دولت در جامعه فعال هستند، اما مردم در قالب شبکه غیررسمی مستضعفین انقلابی قادر به اثرگذاری بر فرایندهای سیاسی هستند. تذکرات مکرر رهبران انقلاب اسلامی این است که مردم بر کار دولت نظارت داشته (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۵ / ۱۷) و صورت بروز خطای سیاستمداران مستقیم وارد عمل شده (امام خمینی، ۱۳۸۹: ۱۳ / ۱۹۳) امور را اصلاح کنند و البته تاکنون نیز همین امر مانع از بروز انحراف - علی‌رغم اشتباهات کارگزاران جمهوری اسلامی - شده است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۷ / ۲۰)

در نظام مردم‌سالاری دینی مسیرهایی برای دخالت و حضور مستقیم مردم در سیاستگذاری‌ها باز شده و نماز جمعه، راهپیمایی و ... محل حضور گسترده مردم است. در این نظام تلاش می‌شود مردم به اندازه کافی توانمند شوند و از نظر مالی و سیاسی و فرهنگی رشد داده شوند که بتوانند با تشکیل گروه‌ها و شوراهای مختلف تأثیرگذاری ساختاری بر روند تصمیم‌سازی‌های سیاسی داشته باشند.



نمودار ۳: شبکه ارتباطی سرمایه اجتماعی عدالت‌محور در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

به نظر می‌رسد مکانیسم ویژه‌ای در رابطه میان «احزاب» و حلقه غیررسمی «مستضعفین انقلابی» در اندیشه رهبران انقلاب اسلامی وجود دارد که باعث می‌شود ضمن حفظ کارکرد احزاب در فرایند سیاستگذاری کشور و تولید سرمایه اجتماعی، به حلقه‌های بسته‌ای تبدیل نشوند که به محروم‌سازی افراد غیرعضو منجر شود. این مکانیسم را به صورت استعاری می‌توان «دیاستول - سیستول»<sup>۱</sup> احزاب سیاسی دانست. این مکانیسم به این شکل است که از یک طرف دولت و فضای سیاستگذاری برای فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی باز می‌شود تا با کمال آزادی و حمایت‌شده بتوانند در عرصه سیاسی حضور پیدا کرده و قدرت سیاسی کسب کنند و مانع از انحصار قدرت در دولت شوند؛ و از طرف دیگر ملزم هستند که این قدرت سیاسی را در جامعه پمپاژ کنند و از انحصار قدرت سیاسی منع شده‌اند. یعنی از یک سو فعالیت احزاب را بسط داده و اجازه می‌دهند به کنترل و اداره دولت بپردازند و از طرف دیگر به نفع مردم احزاب را محدود می‌کنند. نتیجه این بسط و تحدید این است که احزاب به اندازه کافی قدرتمند شده و قدرت کسب می‌کنند، اما مجبورند برای ادامه حفظ سرمایه اجتماعی و حضور در عرصه سیاست به خواسته‌های مردم تن در دهند و با مردم (غیرحزبی و غیرسازمان‌مند) هماهنگ شوند. احزاب در جمهوری اسلامی آن قدر قوی نخواهند شد که بتوانند فارغ از خواسته‌های مردم به اهداف حزبی خود بپردازند و منافع جناحی را پیگیری کنند.



نمودار ۲: دوگانه ابدی حزب و راه‌های برون‌رفت بر اساس اندیشه رهبران انقلاب اسلامی

**نتیجه: پذیرش حزب در کنار تقویت و اصالت دادن به حلقه مستضعفین انقلابی**

برای نتیجه‌گیری اجازه دهید چند نکته را با هم مرور کنیم:

۱ سیاستول به انقباض قلب و دیاستول به باز شدن و انبساط قلب گفته می‌شود. مجموعه این دو حرکت که به طور مداوم تکرار می‌شود ضربان قلب را می‌سازد و باعث فرستادن خون به سراسر بدن می‌شود.

۱. در یک نظام مردم‌سالار، حضور مردم ضروری است، اما لزوماً از مسیر حزب نیست که مشارکت مردمی میسر می‌شود. انتخابات در برخی دموکراسی‌ها بر اساس حضور احزاب در انتخابات است و گاهی بدون احزاب. (عباسی، ۱۳۸۸: ۲۴۰)

۲. دولت منبع قدرت است و هر گروهی که بتواند دولت را در اختیار بگیرد (دولت تشکیل دهد) قدرت فراوانی کسب می‌کند.

۳. بدون کار جمعی تشکیلاتی و هدفمند نمی‌توان امیدوار بود که به قدرت دست یافت. احزاب و گروه‌ها با اثرگذاری بر دولت تلاش می‌کنند تصمیم‌سازی نموده و فرمان لوکوموتیو سنگین و پر قدرت دولت را در اختیار بگیرند. قاعدتا مردم به‌عنوان توده بی‌شکل توانایی هدایت این لوکوموتیو را ندارند و نمی‌توانند بدون سازماندهی بر دولت اثرگذار باشند.

۴. احزاب و گروه‌های متشکل سیاسی که توانمندی در اختیار گرفتن دولت و کسب قدرت سیاسی را دارند اغلب به سمت انحصارگرایی و محروم کردن دیگران (به خصوص عموم مردم) از قدرت سیاسی می‌روند. در نتیجه امروزه تعیین‌کننده سیاست ملی احزاب سیاسی هستند که به بخشی از دولت تبدیل شده‌اند و دولت نیز در احزاب سیاسی خلاصه شده‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۳۴) بنابراین می‌بینیم در کشورهای سوسیالیستی یا لیبرال که نظام حزبی برقرار است، تصمیم‌گیری‌های دولت بر اساس خواست و منافع احزاب و گروه‌های فشار انجام می‌گیرد نه عموم مردم. منافع احزاب لزوماً با منافع مردم هم‌پوشان نیست.

پس از مرور این چهار نکته، به یک بن‌بست می‌رسیم: از طرفی قدرت سیاسی صرفاً در گروه‌های بسته (که سرمایه اجتماعی بالایی دارند) امکان کسب و تولید دارد و از سوی دیگر بسته بودن گروه می‌تواند به سرعت به حلقه‌های بسته ثروت و قدرت و به عبارت دیگر باندهای سیاسی تبدیل شود. این مشکل چگونه قابل حل است؟

بررسی و تحلیل مضمونی اندیشه رهبران انقلاب اسلامی در مورد شبکه‌های ارتباطی نشان می‌دهد که مهم‌ترین شبکه ارتباطی در جمهوری اسلامی «حلقه مستضعفین انقلابی» باید باشد که از یک سو توانایی تولید و جهت‌دهی به قدرت سیاسی را دارد و از سوی دیگر آفت‌های حزب همچون بسته بودن حلقه، سلسله‌مراتبی بودن، مفت‌بری، توزیع نامتوازن و ... را ندارد. این شبکه ارتباطی بسیار گسترده‌تر از حزب است.

از طرف دیگر این حلقه مستضعفین انقلابی می‌تواند پاسخی باشد به ناکارآمدی احزاب در ایران. حال که بیش از صد سال است (از زمان مشروطه به بعد) تمام تلاش‌ها برای برپایی نظام حزبی پایدار

شکست خورده و سه نظام حکومتی قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی - اگر عزمی برای نهادینه کردن نظام حزبی داشتند - نتوانستند احزاب قوی، پایدار و قابل‌اتکا را به وجود آورند، چرا ریل قطار را عوض نکنیم؟ به‌خصوص که پژوهش‌ها بر این موضوع اتفاق نظر دارند که احزاب در ایران نهادمند نشده‌اند و رشد بی‌رویه احزاب در کشور که بسیاری از آنها از دایره تشکیل دهندگان اولیه حزب فراتر نرفته‌اند شاهدی بر شکست پروژه حزب در ایران است. (نقیب‌زاده و سلیمانی، ۱۳۸۸: ۳۴۸) در این شرایط شاید یکی از راه‌حل‌ها این باشد که به‌جای کوبیدن بیهوده بر در احزاب، با کنار گذاشتن کلیشه‌ها به دنبال شبکه ارتباطی دیگری باشیم که کارآمدتر و دارای زمینه اسلامی ایرانی باشد.

تأکید رهبران انقلاب اسلامی این است که این حلقه با حمایت ویژه دولت و با اتحاد و انسجام مستضعفین هرچه قوی‌تر شکل بگیرد و به اندازه کافی توانمند گردد که بتواند منافع اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی کسب نماید. حلقه مستضعفین انقلابی باید بتواند مدیریت اقتصاد کشور را بر عهده بگیرد، رئیس‌جمهور و نماینده مجلس معرفی و حمایت کند، و اشراف اطلاعاتی بر روندهای موجود کشور برای انتخاب بهترین گزینه‌ها داشته باشد.

درنهایت باید یادآوری کرد که زیر سؤال بردن کارآمدی حزب چندان موضوعی غریب و غیرعادی نیست. با گسترش شبکه‌های اجتماعی و بسترهای مجازی ارتباط، روند جهانی به سمت کاهش نقش حزب و افزایش نقش مستقیم مردم پیش می‌رود. وقتی پارادایم سیاسی از ساختارگرایی و دولت‌محوری به سمت تکثرگرایی و ضدیت با ساختار دولت حرکت کرده، شیوه کنش سیاسی نیز دچار دگردیسی عمیقی شده و شیوه عمل سیاسی دیگر نه صرفاً در چارچوب احزاب سیاسی بلکه در بستر جنبش‌های اجتماعی جدید قابلیت طرح و بحث یافته‌اند. (قوام و نوری، ۱۳۹۴: ۲)

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

۱. آل‌غفور، سید محمدتقی و ابوالفضل غفاری، ۱۳۹۸، «مؤلفه‌های تحزب مطلوب برای تقویت مشارکت سیاسی فعال در ج. ا. ا.»، زمستان، ۲۷، ص ۱۸۸ تا ۲۱۰.
۲. ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۵۸، *مبانی سیاست*، تهران، توس.
۳. اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۲، «رویکردی به مردم‌سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال»، زمستان، دانشگاه اسلامی، ش ۲۰، ص ۱۳۷ تا ۱۶۸.
۴. اشرفی، اکبر، ۱۳۹۵، «مطالعه علل توقف فعالیت‌های حزب جمهوری اسلامی از منظر جامعه‌شناسی احزاب سیاسی»، *مطالعات جهان اسلام*، بهار و تابستان، سال چهارم، ش ۱، ص ۶۵ تا ۸۴

۵. امام خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹، *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۶. امینی، ابراهیم، ۱۳۷۸، «امام خمینی علیه السلام و مستضعفان»، *حکومت اسلامی*، ش ۱۲.
۷. بیانات رهبر انقلاب اسلامی موجود در سایت Khamenei.ir.
۸. توفیق، ابراهیم، ۱۳۸۵، «مدرنیسم و شبه پاتریمونیا لیسیم (تحلیلی از دولت در عصر پهلوی)»، *جامعه‌شناسی ایران*، بهار، دوره هفتم، ش ۱، ص ۹۳ تا ۱۲۵.
۹. تیلی، چارلز، ۱۳۹۰، *اعتماد و حکمرانی*، ترجمه رضا سیمبر و ارسالان قربانی شیخ‌نشین، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۰. ثابتی، منوچهر؛ منصور و ثوقی و علیرضا محسنی تبریزی، ۱۳۹۷، «بررسی موانع شکل‌گیری نظام حزبی در بستر توسعه اجتماعی و ساختار فرهنگ سیاسی ایران بین دو انقلاب (مشروطه تا انقلاب اسلامی)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، پاییز، سال دهم، ش ۴، ص ۳۷ تا ۴۹.
۱۱. جاسبی، عبدالله و رضا پریزاد، ۱۳۹۴، «آسیب‌شناسی نقش نخبگان حزبی در عدم استمرار حزب جمهوری اسلامی»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، زمستان، ش ۱۵، ص ۲۹ تا ۵۲.
۱۲. جمال‌زاده، ناصر و مهدی خزاعی گسک، ۱۳۹۵، «کارویژه‌های حزب در حکومت اسلامی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب»، *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، زمستان، ش ۱۹، ص ۱۳۱ تا ۱۶۵.
۱۳. جمیری، محمد و سید یوسف قرشی، ۱۳۹۷، «تأملی جامعه‌شناسانه بر احزاب دولتی در عصر پهلوی دوم؛ مطالعه موردی احزاب مردم و ملیون»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، بهار، ش ۵۲، ص ۱۸۱ تا ۲۰۰.
۱۴. جوادی ارجمند، محمدجعفر و حسین دلبر، ۱۳۹۵، «رویکردی نظری به نسبت احزاب و ثبات سیاسی (با نگاهی به احزاب در جمهوری اسلامی ایران)»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، بهار، ش ۴۴، ص ۶۱ تا ۸۰.
۱۵. چلبی، فایقه؛ رجب ایزدی و کمال‌الدین هریسی‌نژاد، ۱۳۹۷، «کارکرد احزاب سیاسی در تنظیم روابط قوای حاکم؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های انگلستان، آمریکا و ایران»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، زمستان، ش ۲۷، ص ۳۵ تا ۶۵.
۱۶. حیدری، مردان؛ ابوالفضل دلاوری و فرح ترکمان، ۱۳۹۶، «تحلیل الگوهای کنش فعالان حزبی در ایران (مورد مطالعه احزاب دهه ۶۰ تا ۹۰)»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، زمستان، سال چهاردهم، ش ۵۵، ص ۷۸ تا ۱۰۶.
۱۷. خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۸۶، *پیشوای صادق*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

معمای حزب در اندیشه‌ی رهبران انقلاب اسلامی: تحلیل بر اساس جریان عادلانه‌ی قدرت ... □ ۱۸۳

۱۸. رمضانی، ابوالفضل و علی میرزامحمدی، ۱۳۹۲، *تحلیل شبکه‌های اجتماعی*، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۹. زیبا کلام، صادق و مرتضی مقتدایی، ۱۳۹۳، «احزاب سیاسی و نقش آن در توسعه سیاسی ایران: مطالعه موردی انتخابات»، *علوم سیاسی*، زمستان، ش ۲۹، ص ۷ تا ۲۸.
۲۰. ساعی، علی و فرشید خضری، ۱۳۹۴، «اعتماد به احزاب سیاسی مطالعه‌ای درباره دانشجویان دکتری دانشگاه تربیت مدرس»، *مطالعات اجتماعی ایران*، تابستان، دوره نهم، ش ۲، ص ۱۰۸ تا ۱۳۴.
۲۱. ساعی، علی؛ اعظم مقدس و مسعود غفاری، ۱۳۹۶، «تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه مرحله تثبیت دموکراتیک با تأکید بر عامل احزاب سیاسی (۱۹۸۰ - ۲۰۰۹)»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، پاییز و زمستان، دوره نهم، ش ۲، ص ۹۹ تا ۱۳۲.
۲۲. ساعی، علی؛ اعظم مقدس و مسعود غفاری، ۱۳۹۶، «تحلیل تطبیقی دموکراتیزاسیون در ایران و ترکیه: مطالعه مرحله تثبیت دموکراتیک با تأکید بر عامل احزاب سیاسی (۱۹۸۰ - ۲۰۰۹)»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، پاییز و زمستان، دوره نهم، ش ۲، ص ۹۹ تا ۱۳۲.
۲۳. شیخ‌زاده، محمد؛ محمدسعید تسلیمی؛ حسن عابدی جعفری و ابوالحسن فقیهی، ۱۳۹۰، «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، ش ۱۰، ص ۱۵۱ - ۱۹۸.
۲۴. صالحی امیری، سیدرضا؛ عبدالحسین ضمیری و سروش فتحی، ۱۳۹۸، «گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی نگرش به تأثیر تحزب بر رفتار حزبی)»، *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، زمستان، سال شانزدهم، ش ۶۱، ص ۵۵ تا ۷۲.
۲۵. طباطبایی، سید محمد، ۱۳۹۴، «بنیان «دولت حزب‌سالار» و تعامل میان دموکراسی و پارتیتوکراسی»، *دولت پژوهی*، پاییز، ش ۳، ص ۳۳ تا ۸۰.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۴، *ترجمه تفسیر المیزان*، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. عباسی، ابراهیم، ۱۳۹۳، «حزب جمهوری اسلامی؛ مهم‌ترین اجتماعی سیاسی اسلام انقلابی در ایران (تبارها و ریشه‌ها)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، پاییز، ش ۳۶، ص ۱۷۱ تا ۲۱۲.
۲۸. عباسی، بیژن و مقصود عبادی بشیر، ۱۳۹۶، «مبانی حقوقی یارانه‌های حزبی»، *مطالعات حقوق عمومی*، بهار، دوره چهل و هفتم، ش ۱، ص ۱ تا ۲۷.
۲۹. عباسی، بیژن، ۱۳۸۸، «نقد و بررسی نظام‌های انتخاباتی اکثریتی و تناسبی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، پاییز، سال سی و نهم، ش ۳، ص ۲۳۹ تا ۲۵۸.

۳۰. فاضلی، اشرف؛ علی عنایتی شبکلائی و مهدی نجف‌زاده، ۱۳۸۸، «بررسی نگرش مردم نسبت به احزاب سیاسی در ایران»، *پژوهش‌های ارتباطی*، بهار، ش ۵۷، ص ۱۳۵ تا ۱۵۶.
۳۱. فیرحی، داود، ۱۳۹۱، «رهبری و حکومت در اندیشه شهید بهشتی «نظریه امت و امامت»»، بهار، ش ۲۱، ص ۲۸۷ تا ۳۱۰.
۳۲. قوام، عبدالعلی و مختار نوری، ۱۳۹۴، «تحول پارادایمی از نوسازی سیاسی مدرن به پسامدرنیسم: مطالعه موردی احزاب و جنبش‌های اجتماعی جدید»، *مطالعات سیاسی*، پاییز، ش ۲۹، ص ۱ تا ۲۶.
۳۳. کولائی، الهه و یوسف مزارعی، ۱۳۹۵، «نوسازی و تحزب (مطالعه موردی: دولت هاشمی رفسنجانی)»، *سیاست*، تابستان، ش ۳۸، ص ۴۰۳ تا ۴۲۲.
۳۴. مجلسی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *بحار الانوار*، ج ۴۸، ترجمه محمدباقر بهبودی، تهران، اسلامیه.
۳۵. مرتضویان، سید علی و رضا پریزاد، ۱۳۹۵، «مشارکت سیاسی و نهادمندی احزاب توده‌گرا در کشورهای جهان سوم»، *مطالعات روابط بین‌الملل*، ش ۳۶، ص ۱۳۹ تا ۱۶۴.
۳۶. مظهری، محمد؛ آرین قاسمی و فرزاد جنگجوی (خراطا)، ۱۳۹۷، «محدودیت‌های آزادی احزاب: همسنجی قانون اساسی ایران و فرانسه»، *حقوق پزشکی*، پاییز، ش ۴۶، ص ۳۷ تا ۶۷.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، ج ۳، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۳۸. نقیب‌زاده، احمد و غلامعلی سلیمانی، ۱۳۸۸، «نوسازی سیاسی و شکل‌گیری احزاب در جمهوری اسلامی ایران (بر اساس رویکرد هانتینگتون)»، *سیاست*، زمستان، ش ۱۲، ص ۳۴۷ تا ۳۶۸.
39. Boyatzis, R. E., 1998, *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*; CA: Sage.
40. Braun, V., Clarke, V., 2006, "Using thematic analysis in psychology", *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, p. 77 – 101.